

[جمعه 2 تیر 1396 - 28 رمضان 1438 - 23 ژوئن 2017](#)

به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار



به توپ بستن مجلس شورای ملی به فرمان محمدعلی شاه قاجار (1287ش)

محمدعلی شاه قاجار، از همان آغاز کار، مصمم به برانداختن مشروطیت بود، اما بهانه‌ای در دست نداشت. اما در جریان سوء قصدی که به وی شد، بهانه لازم را به دست آورد و آن را به گردن آزادی‌خواهان انداخت، تا اینکه سرانجام پس از ماه‌ها کشمکش میان مجلس و دربار و عدم دسترسی به نتیجه مطلوب، در روز سه‌شنبه دوم تیرماه 1287 ش برابر با 23 جمادی اول 1326 ق، هنوز آفتاب طلوع نکرده بود که قشون محمدعلی شاه به سوی مجلس روان شدند و راه‌های را که به مجلس منتهی می‌شد، بستند. مجاهدان که در میدان بهارستان بودند در سنگرهای خود به حال آماده‌باش درآمدند. چون خبر به گوش حضرات آیات بهبهانی و طباطبایی، از رهبران روحانی مشروطه، رسید، با بی‌پروایی و دلیری از خانه بیرون آمدند و خود را به مجلس رسانیدند تا شاید از وقوع حادثه جلوگیری نمایند. ناگهان مجلس شورای ملی که هنوز مدت زیادی از بدو تشکیل آن نمی‌گذشت به دستور محمد علی شاه مستبد و توسط کلنل لیاخوف، افسر روسی به توپ بسته شد. در پی این حمله، نعش خونین آزادی‌خواهان، صحن بهارستان را پُر کرد و صدای ناله و فریاد از هرسو به گوش می‌رسید. مجاهدان نیز مردانه، تفنگ در دست گرفته و از خود و مجلس دفاع می‌کردند. جنگ در حدود چهار ساعت به طول انجامید و سرانجام به نفع شاه پایان یافت. در این ماجرا، محمدعلی شاه که مورد حمایت دولت روس بود به اعدام و تبعید و زندانی کردن نمایندگان مجلس پرداخت. شاه دستور داد که آقا سیدعبدالله بهبهانی را به کرمانشاه تبعید کرده، آیت الله سیدمحمد طباطبایی را در شمیران خانه‌نشین نمایند. عده‌ای از آزادی‌خواهان را، زنجر به گردن انداخته و کیشان کشان به باغشاه بردند. از میان این جمع، تنها ملک المتکلمین و میرزا جهانگیرخان صوراسرافیل از مشروطه‌طلبان مشهور و مخالف استبداد قاجاری را به حضور شاه آوردند. وی پس از این‌که مدتی به آن دو دشنام داد، دستور قتل هر دوی آنها را صادر کرد. در این واقعه بیش از سیصد تن از مجاهدان، آزادی‌خواهان و مشروطه‌طلبان کشته و پانصد تن دیگر زخمی و تعداد زیادی بازداشت شدند. هم‌چنین انجمن‌ها تعطیل، روزنامه‌ها توقیف و مشروطیت دو ساله ایران به پایان رسید. بدین ترتیب مجلس، منحل شد و دوره استبداد صغیر آغاز گشت.

تصویب طرح اجباری شدن کلاه شاپو برای مردان در مجلس شورای ملی (1306 ش)

رضاخان پهلوی پس از به دست گرفتن قدرت، دائماً در تلاش برای نابودی مظاهر دینی و سنتی مردم بود و قصد جایگزینی فرهنگ غرب در ایران را در سر می‌پروراند. وی در این راه، در هر مدت قانونی، را به مردم ابلاغ می‌کرد که طرح اجباری شدن استفاده از کلاه شاپو یکی از آنان بود. این قانون ابتدا در مورد وزرا، وکلا و رؤسای ادارات و مستخدمان دولت اجرا گردید که باید لباس متحدالشکل بپوشند و کلاه شاپو یا پهلوی برسرگذارند. سپس این دستور برای مدارس اجباری گردید و دانش‌آموزان موظف به پوشیدن لباس یک شکل شدند. در این میان، بازاریان از تغییر لباس ناراضی بوده و با تمام فشار و توصیه‌های کلانتری‌ها، از آن روی گردان بودند. از آن طرف، چون قانون برای پوشیدن لباس کوتاه و کت و شلوار وجود نداشت و بسیاری از طبقات مردم، مایل نبودند از لباس اجدادی خود دست بکشند و لباس جدید را در بر نمایند، بنابراین مشکلاتی به وجود آمد. از این رو، برای اینکه این عمل صورت قانونی پیدا کند با اشاره دربار به مجلس، نمایندگان با تصویب طرحی، در دوم تیرماه 1306 استفاده از کلاه شاپو را اجباری اعلام کردند. با تصویب این طرح، مأموران دولت بر فشار خود بر مردم افزودند و آن را در سطح کشور رایج ساختند. در مقابل، اشخاص بسیاری بودند که در مخالفت با این طرح، دیگر به سر کسب و کار خود نرفتند و خانه‌نشین شدند.

در گذشت شعیشع، پیر قرآن کریم (1390ش)

ابوالعینین شعیشع رئیس انجمن قراء مصر متولد شهر «بیلا» در استان «کفرشیخ» مصر در سال 1922 بود و در دوران کودکی حافظ کل قرآن شد و در سال 1936 در شهر «المنصوره» به شهرت رسید. وی در سال 1939 در رادیو قاهره به تلاوت قرآن مشغول شد و در نیمه دهه 40 میلادی روش خاص خود را در تلاوت قرآن اتخاذ کرد؛ وی اولین قاری است که در مسجد الاقصی به قرئت قرآن پرداخت. «ابوالعینین شعیشع» در اکثر کشورهای دنیا از جمله عراق، سوریه و ایران تلاوت کرد و در آغاز دهه 60 میلادی به بیماری ای مبتلا شد که مدتی نتوانست قرائت کند. وی در دهه هفتاد تلاش خود را برای ایجاد انجمن قراء مصر دنبال که در این کار بزرگان چون «شیخ محمود علی البنا» و «شیخ عبدالباسط عبدالصمد» او را همراهی کردند و در سال 1988 وی به عنوان دبیر این انجمن انتخاب شد. «ابوالعینین شعیشع» عضویت شورای عالی امور اسلامی مصر، ریاست موسسه بین المللی حفظ قرآن کریم و عضویت کمیته عالی قرآن کریم

وقوع اولین جنگ میان نیروهای انگلیسی و هندی در بنگال (1757م)

در اولین جنگ میان نیروهای انگلیس و هندی که در 23 ژوئن 1757م به وقوع پیوست و به جنگ پلاسی مشهور شد، انگلیس به پیروزی رسید و زمینه استعمار و استثمار هند را فراهم آورد. انگلیس از اوایل قرن هجدهم از طریق شرکت هند شرقی، نفوذ در هند را آغاز کرده بود و در جنگ‌های بعدی، علاوه بر شکست دادن ارتش هند، رقیب اروپایی خود، فرانسه را نیز از هند بیرون راند. از آن زمان تا نزدیک به دوپست سال، هند مهم‌ترین و پرسودترین مستعمره انگلیس بود و از غارت این کشور بزرگ، ثروت فراوانی به دست آورد. وزارت اوقاف مصر را بر عهده داشت و در طول حیات خود نشان‌های عالی کشورهای لبنان، سوریه، فلسطین، ترکیه، سومالی، پاکستان، امارات و برخی کشورهای دیگر اسلامی را دریافت کرد. وی که از دوستداران اهل بیت (ع) بود، یکی از علاقه‌مندان جدی انقلاب اسلامی و به ویژه مقام معظم رهبری به حساب می‌آمد و رهبر معظم انقلاب اسلامی در توصیف شعیشع وی را «پیر قرآن کریم» و «کسی که عمرش را با قرآن گذرانده است» نامیده‌اند.